[DOI: 10.61186/pte.15.59.4] [Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

مطالعات تاریخ اسلام
سال پانزدهم، شمارهٔ ۵۹، زمستان ۱۴۰۲، مقالهٔ علمی- پژوهشی، صفحات ۸۵-۱۰۶

زمینه‌های شکل‌گیری واحد اداری- سرزمینی قفقاز در جغرافیای سیاسی امپراتوری روسیه تزاری

حسن عبدی[۱]
سجاد حسینی[۲]
جعفر آقازاده[۳]

چکیده: گام نخست توسعه‌طلبی روس‌ها در قفقاز، بر مبنای شناخت سرزمین و مردمان بود که خود را در قالب شرق‌شناسی نشان داد. ارتباط با قومیت‌ها و خوانین منطقه، ایجاد خط دفاعی قفقاز و گسترش آن به جنوب، گام مهم و نهایی در فتح قفقاز بود. روس‌ها برای تثبیت حاکمیت خود در قفقاز و بهره‌برداری از منابع آن، به برپایی سیستم اداری جدیدی در قالب واحد اداری سرزمینی قفقاز دست زدند. این پژوهش با رویکرد توصیفی- تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که واحد اداری-سرزمینی قفقاز چگونه در جغرافیای سیاسی روسیه تزاری شکل گرفت؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که فرایند ادغام قفقاز در قلمرو روسیه تزاری، یک فرایند تدریجی در قالب یک راهبرد بلندمدت بود؛ این مهم با تلفیق دستاوردهای علمی شرق‌شناسان با کنش قوای نظامی روس تحقق یافت. ایجاد پایگاه نظامی در نقاط راهبردی و استقرار اقوام مسیحی در این نقاط، در تثبیت و تحکیم خط دفاعی قفقاز بسیار مؤثر بود.

واژه‌های کلیدی: قفقاز، روسیهٔ تزاری، شرق‌شناسی، واحد اداری-سرزمینی قفقاز، خط دفاعی، فتوحات

شناسه دیجیتال (DOI): 10.61186/pte.15.59.4
۱ کارشناس ارشد تاریخ، دانشگاه محقق اردبیلی hesen.ebdi@gmail.com
https://orcid.org/0000-0002-0085-2671
۲ دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول) s.hoseini@uma.ac.ir
https://orcid.org/0000-0002-3677-2550
۳ دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه محقق اردبیلی j.agazadeh@uma.ac.ir
https://orcid.org/0009-0005-2368-4884
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۷ تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۳/۱۰

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]
[DOI: 10.61186/pte.15.59.4]

A Quarterly Journal of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM
Vol 15, No 59, Winter 2024
Research Center for Islamic History, http://journal.pte.ac.ir/
Scientific-Research, pp. 85-106

The Grounds of the Formation of the Administrative-Territorial Unit of Caucasus in the Political Geography of the Tsarist Russian Empire

Hassan Abdi[1]
Sajjad Hosseini[2]
Jafar Aghazadeh[3]

Abstract: The first step of the Russi's expansionism in the Caucasus was trying to acquire knowledge about this land and its people, which manifested itself in the form of "Orientalism". Communicating with the ethnicities and *Khans* of the region, the creation of the Caucasus defense line and its expansion to the south was an important and final step in the conquest of the Caucasus. In order for establishing their sovereignty in the Caucasus and exploiting its natural resources, the Russians set up a new administrative system in the form of the Caucasus administrative- territorial unit. This descriptive-analytical research seeks to answer the question of how the Caucasus administrative-territorial unit was formed in the political geography of Tsarist Russia. The findings show that the process of integrating the Caucasus into the territory of Tsarist Russia was a gradual process in the form of a long-term strategy. This was achieved by combining the scientific achievements of orientalists and the actions of Russian military forces. The establishment of military bases in strategic places and settlement of Christian tribes in these places was very effective in stabilizing and consolidating the defense line of the Caucasus.

Keywords: Caucasus, Tsarist Russia, administrative-territorial unit of Caucasus, defense line, conquests, Orientalism.

DOI: 10.61186/pte.15.59.4
1 Master student of history, University of Mohaghegh Ardabili, hesen.ebdi@gmail.com https://orcid.org/0000-0002-0085-2671
2 Associate Professor, Department of History, University of Mohaghegh Ardabili (Corresponding Author), s.hoseini@uma.ac.ir https://orcid.org/0000-0002-3677-2550
3 Associate Professor, Department of History, University of Mohaghegh Ardabili, j.agazadeh@uma.ac.ir https://orcid.org/0009-0005-2368-4884
Receive Date: 2022/12/08 Accept Date: 2023/05/31

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]
[DOI: 10.61186/pte.15.59.4]

مقدمه

روس‌ها در یک فرایند تدریجی و آرام قفقاز را به تصرف درآوردند و به قلمرو سرزمینی خود ضمیمه کردند. این رخداد اگرچه از منظر نظامی بررسی شده، اما جنگ‌های ایران و روسیه و پیروزی روسیه در آن، عامل تسلط آنها بر این سرزمین دانسته شده است. همچنین روند ادغام تدریجی مناطق مختلف قفقاز در سازمان اداری امپراتوری روسیه و در نهایت تشکیل واحد اداری سرزمینی قفقاز، مورد غفلت جدی قرار گرفته است. در این میان، آنچه مبهم است و پاسخ قانع‌کننده‌ای به آن داده نشده، گام‌های مستمر روس‌ها برای تشکیل خط دفاعی قفقاز و کشاندن آن به سوی جنوب در قالب ساخت قلاع نظامی و اسکان هواداران خود در آنها و پی‌ریزی یک واحد اداری ویژه برای حفظ دستاوردهای نظامی در این منطقه و تحکیم قدرت آنها در این منطقه است.

در پژوهش حاضر تلاش شده است با تکیه بر منابع دست اول، ابعاد مختلف سیر تاریخی تلاش‌های نظامی–سیاسی روس‌ها برای تسلط بر قفقاز و در نهایت، ضمیمه کردن آن به قلمرو روسیهٔ تزاری در قالب واحد اداری– سرزمینی قفقاز روشن شود. شناخت جغرافیا، مردمان و منابع قفقاز، اولین گام روس‌ها به منظور تصرف قفقاز بود که در قالب تأسیس رشتهٔ شرق‌شناسی در آکادمی علوم روسیه، صورت علمی و منسجمی به خود گرفت. پیوند با مسیحیان و خوانین این منطقه، دیگر گام مهم روس‌ها برای نفوذ تجاری و سیاسی– نظامی در دل این منطقه بود. برپایی خطوط دفاعی متعدد در شمال قفقاز که از امتداد رودخانه ترِک شروع شد و به مرور به جنوب پیشروی کرد، به عملیات نظامی روس‌ها نظم خاصی بخشید و اقوام وابسته به آنها را در این خطوط دفاعی رو به جلو مجهز و تجهیز کرد. در نتیجه، نفوذ عثمانی در منطقه محدود شد و با دور ساختن گرجستان از جغرافیای سیاسی ایران، فتح کامل قفقاز میسر گردید. برای حفظ و ادارهٔ بهتر فتوحات همزمان با تسلط روس‌ها بر شمال قفقاز، سیستم اداری روسی در این منطقه در قالب نائب‌السلطنگی قفقاز تشکیل شد، اما به مرور و با گسترش فتوحات به سمت جنوب، سیستم اداری متعددی در این منطقه اجرایی شد، ولی با تسلط کامل روس‌ها بر این منطقه تحول بزرگی در سیستم اداری–نظامی منطقه رخ داد که در تاریخ قفقاز یک نقطهٔ عطف محسوب می‌شود و کل این منطقه تحت مدیریت یک ادارهٔ واحد با عنوان «ادارهٔ اوبلاست قفقاز» قرار گرفت و حاکمیت نظامی و اداری آن یکپارچه شد و مرکز اداری آن نیز به تفلیس انتقال پیدا کرد.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.4]

نگارندهٔ این پژوهش درصدد است تا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای با رویکرد توصیفی-تحلیلی، به این سؤالات پاسخ دهد که: واحد اداری-سرزمینی قفقاز در جغرافیای سیاسی دولت روسیه تزاری چگونه تشکیل شد و چه عللی در شکل‌گیری آن دخیل بود؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت روند شکل‌گیری قفقاز در جغرافیای سیاسی دولت روسیه تزاری، یک روند تدریجی براساس یک راهبرد بلندمدت بوده است تا با کاهش هزینه‌ها و تحدید قدرت نرم دولت‌های ایران و عثمانی در منطقه، زمینهٔ ادغام قفقاز در جغرافیای سیاسی روسیه تزاری را فراهم سازد.

پیشینهٔ تحقیق

با توجه به اطلاع نگارندگان، تاکنون پژوهشی مستقل دربارهٔ تلاش روس‌ها برای تشکیل واحد اداری- سرزمینی در قفقاز انجام نگرفته، اما در برخی مطالعات به صورت گذرا به گوشه‌هایی از این موضوع پرداخته شده است؛

آرتور تسوتسیف[1] محقق ارشد مرکز مطالعات علوم اجتماعی دانشگاه ولادی قفقاز، در کتاب *اطلس تاریخ قومی- سیاسی قفقاز*[2] با استفاده از نقشه‌ها، به تبیین سیاست‌های توسعه‌طلبی دولت روسیه در قفقاز پرداخته است. وی در ادامه به ایجاد خط دفاعی قفقاز و جنگ‌های قفقاز و اشغال قفقاز جنوبی پرداخته، اما اشاره‌ای به ایجاد واحد اداری- سرزمینی قفقاز توسط روس‌ها نکرده است.

غلامحسین زرگری نژاد در کتاب *تاریخ ایران در دوره قاجاریه؛ عصر آقا محمدخان*،[3] سیاست توسعه‌طلبانهٔ پترکبیر در قفقاز و پیوندهای وی با گرجی‌ها و ارامنهٔ این منطقه را ریشه‌یابی کرده است. علی‌رغم تصویر نسبتاً کاملی که وی از پیوندهای روس‌ها با اقوام این منطقه ارائه داده، اما به توسعهٔ تدریجی و گام‌به‌گام خط دفاعی قفقاز به سمت مرزهای ایران و شکل‌گیری واحد اداری قفقاز اشاره نکرده است.

بادلی در کتاب *فتوحات روسیه در قفقاز*[4] ضمن بررسی رویکرد دولت روسیهٔ تزاری در قفقاز و بیان فراز و فرود فتوحات روس‌ها در این ناحیه و پیکار آنان با حکام محلی و دولتین ایران و

1 Артур Аркадьевич Цуциев

2 A. Tsutsiev (2014), *Atlas of the ethno-political history of the Caucasus.* NewHaven, Connecticut: Yale University Press.

۳ غلامحسین زرگری‌نژاد (۱۳۹۵)، *تاریخ ایران در دوره قاجاریه عصر آقامحمدخان*، تهران: سمت.

4 J.Baddeley (1908), *The Russian conquest of the Caucasus,* London: Longmans, Green & Co.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.4]

عثمانی، به صورت اجمالی به تشریح چگونگی ایجاد و گسترش خط دفاعی قفقاز پرداخته است. با این همه دربارهٔ چگونگی ایجاد واحد اداری–سرزمینی قفقاز سخن به میان نیاورده است.

اتکین در کتاب *روابط ایران و روس (۱۷۸۰–۱۸۲۸)*[۱] به جریان کشورگشایی دولت روسیهٔ تزاری در قفقاز و تقابل و تعارض منافع دولت ایران و روس در این ناحیه پرداخته است. نویسنده شرح مبسوطی از اقدامات دولت تزاری به منظور استقرار حاکمیت خود در قفقاز ارائه داده، اما مسئلهٔ ایجاد خط دفاعی قفقاز و همچنین برقراری واحد اداری– سرزمینی قفقاز مورد غفلت قرارگرفته است.

فیروزه مستشاری در کتاب *در نقطهٔ تلاقی مذاهب: روسیه تزاری و اسلام در قفقاز*[۲] به مطالعهٔ تاریخ مسلمانان قفقاز تحت حاکمیت امپراتوری روسیه تزاری به عنوان یک دولت مسیحی ارتدکس پرداخته و چگونگی برقراری استعمار روسی در این منطقه را تشریح کرده است. وی عقیده دارد تضاد و تقابل فرهنگی و مذهبی مسلمانان محلی و حاکمان مسیحی، زمینه‌ساز اختلافاتی شد که تا به امروز ادامه دارد.

مرشدلو در مقالهٔ «شرق‌شناسی و اکتشاف جغرافیایی در خدمت راهبرد استعماری؛ بررسی پیوند اکتشاف‌های علمی با سیاست استعماری روسیه تزاری در برابر قفقاز»[۳] ضمن بررسی خلاصه‌وار پیشینهٔ شناخت روس‌ها از ناحیهٔ قفقاز در پیش از دوران صفوی، به مطالعهٔ چگونگی شکل‌گیری راهبرد اکتشافی روس‌ها در قفقاز در دوران پترکبیر و تداوم مأموریت‌های اکتشافی در عهد کاترین دوم پرداخته است. نویسنده همچنین از نقش‌آفرینی ساکنان بومی قفقاز جنوبی چون ارامنه و گرجیان و همچنین مسلمانان (بعد از معاهده گلستان) در شناخت بیشتر روس‌ها از ناحیه قفقاز سخن به میان می‌آورد

تمایز و وجه ممیزهٔ پژوهش حاضر با مطالعات فوق در آن است که اولین بار به صورت مستند و منسجم به زمینه‌ها، چگونگی و روند ادغام تدریجی و گام‌به‌گام مناطق مختلف منطقهٔ قفقاز در سازمان اداری امپراتوری روسیه تزاری و تشکیل واحد اداری– سرزمینی قفقاز پرداخته است. این

---

۱ میوریل اتکین (۱۳۸۲)، *روابط ایران و روسیه (۱۷۸۰–۱۸۲۸)*، ترجمهٔ محسن خادم، تهران: مرکز نشر دانشگاه.

2 F. Mostashari (2006), *On the Religious Frontier: Tsarist Russia and Islam in the Caucasus*, London: I.B.Tauris.

۳ جواد مرشدلو (۱۳۹۷)، «شرق‌شناسی و اکتشاف جغرافیایی در خدمت راهبرد استعماری (بررسی پیوند اکتشاف‌های علمی با سیاست استعماری روسیه تزاری در برابر قفقاز)»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ش۲، صص۴۹۱-۵۱۲.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.4]

پژوهش تصویر روشنی از تلاش‌های مداوم روس‌ها برای تشکیل خط دفاعی قفقاز و کشاندن تدریجی آن به سوی جنوب در قالب ساخت قلاع نظامی و اسکان هواداران خود در آنها و پی‌ریزی یک واحد اداری ویژه برای حفظ دستاوردهای نظامی در این منطقه ارائه کرده است.

روس‌ها و شناخت قفقاز

دسترسی به سواحل دریای خزر و سیاه یکی از اولویت‌های سیاست خارجی پترکبیر بود. با تحقق این مهم، آرزوی تاریخی روس‌ها برای دستیابی به آب‌های گرم و بزرگراه تجاری بین دو قارهٔ آسیا و اروپا برآورده می‌شد (Bournoutian, 2021: 5; Aliyev, 2009: 331-332)؛ البته ثروت‌ها و منابع طبیعی و انسانی قفقاز نیز در نبود قدرت مرکزی حاکم بر ایران بر طمع پتر کبیر و جانشینانش می‌افزود (Bournoutian, 2021: 15; Kurban, 2020: 14). در کنار این عوامل سیاسی و اقتصادی، عامل مهم دیگری نیز پتر کبیر و جانشینانش را برای دستیابی به قفقاز مصمم کرده بود؛ چنان‌که پترکبیر دفاع از مسیحیان قفقاز را حق مسلّم و رسالت مهم دولت روسیه می‌دانست و این مسئله به نبرد روس‌ها در قفقاز وجههٔ مقدس و دینی می‌بخشید و حمایت مسیحیان این منطقه را به دنبال داشت (Bournoutian, 2021: 18; Baddeley, 1908: 18). برای دستیابی به این اهداف، شناسایی توانایی‌های نظامی، منابع و ثروت‌های طبیعی و انسانی قفقاز از مهم‌ترین اقدامات دولت روسیه در دوره حاکمیت پترکبیر بود (Bournoutian, 2021: 5). جغرافی‌دانان و طبیعت‌شناسان روسی و اروپایی، دولت روسیه را در شناسایی قفقاز یاری می‌کردند.

در این راستا آکادمی علوم روسیه در تاریخ ۲۷ دسامبر ۱۷۲۵/ ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۱۳۸ راه‌اندازی شد. جریان شرق‌شناسی روسیه نیز در قالب یک رشتهٔ دانشگاهی از همین آکادمی آغاز شد؛ رشته‌ای که با کمک دانشمندان آلمانی پا گرفت تا پایگاه مهمی برای فعالیت‌های جغرافی‌دانان و دانشمندان برجسته در حوزه قفقازشناسی باشد (Van der Oye, 2010: 31-34). شرق‌شناسی از منظر حاکمان دولت روسیه گامی مهم در مسیر فتح به شمار می‌رفت و برای ایجاد یکپارچگی ملی، تثبیت حاکمیت و کنترل بر منابع طبیعی و انسانی بسیار حائز اهمیت بود (Jersild, 2002: 37; Kurban, 2020: 14). قفقازشناسی به عنوان یکی از زیرشاخه‌های شرق‌شناسی، از دورهٔ پتر کبیر همواره در کانون توجه دولتمردان روسی قرار داشت. در این دوره، قفقازشناسی در تعیین خط‌مشی‌ها و راهبردهای کلان برای رسیدن به اهداف استعماری دولت بسیار کارآمد بود. همراهی

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.4]

دانشمندان با حاکمان به عنوان مشاوران عالی و سفرهای اکتشافی آنها، در همین چهارچوب قابل تفسیر است. در طرح عملیاتی سیاست شرقی پترکبیر، مشاور برجسته‌ای چون دیمیتری کانتمیر[1] وی را همراهی می‌کرد. اعلامیه معروف پتر کبیر در آستانهٔ یورش به شمال شرقی قفقاز و سواحل غربی دریای خزر، توسط دیمیتری کانتمیر با الفبای عربی به زبان‌های فارسی و ترکی نوشته شده بود (van der Oye, 2010: 43-44). تهیه نقشه توپوگرافی سواحل دریای خزر به فرمان پترکبیر نیز یکی دیگر از اقدامات اولیه و مهمی بود که در راستای آن به مدت پنج سال در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی فعالیت تحقیقاتی انجام گرفت و سرانجام در سال ۱۷۳۶م/ ۱۱۴۹ق. کار تدوین این نقشه به پایان رسید (Kurban, 2020, 15; Özgür, 2014: 3).

اقبال دولت کاترین دوم به حوزهٔ قفقازشناسی بیش از دوره‌های پیشین بود. در سال ۱۱۸۰/۱۷۶۷ق. از دانشمند معروف آلمانی «پیتر سایمون پالاس»[2] برای عضویت در آکادمی علوم روسیه دعوت شد. به درخواست پالاس، دو دانشمند برجستهٔ جوان آلمانی به نام‌های ساموئل گوتلیب گملین[3] و یوهان آنتون گولدنشتات[4] به گروه او در این آکادمی پیوستند. در سال ۱۷۶۹م/۱۱۸۲ق. با مدیریت پالاس گروه‌هایی از زمین‌شناسان و جغرافی‌دانان برای مطالعه و کسب اطلاعات از جغرافیای منطقه، منابع انسانی و ثروت‌های طبیعی، عازم قفقاز شدند. سرپرستی دو گروه از این دانشمندان را گملین و گولدنشتات برعهده داشتند که سفرشان را از آستاراخان آغاز کردند. گملین در مسیر سواحل دریای خزر تا آمل و گولدنشتات در مسیر دامنه‌های شمالی قفقاز، از قیزلار به داریال و گرجستان مطالعه کرد. فعالیت این دو گروه پنج سال طول کشید. گزارش سفرهای گولدنشتات با عنوان *سفر به روسیه و کوه‌های قفقاز* در دو جلد توسط پالاس در سال‌های ۱۷۸۷م/۱۲۰۱ق. و ۱۷۹۱م/۱۲۰۵ق. به چاپ رسید. هاینریش جولیوس فون کلاپروت[5] از اعضای آکادمی علوم روسیه و همکاران پالاس، در سال ۱۸۱۵م/۱۲۳۰ق. با حذف برخی قسمت‌ها، دستاوردهای گولدنشتات را با عنوان *سفرهای دکتر گولدنشتات به گرجستان و ایمرتی* بازنشر کرد (مرشدلو، ۱۳۹۷: ۵۰۱–۵۰۲؛ Bournoutian, 2021: 12؛ Gutmeyr, 2017: 138).

1 Dimitrie Cantemir
2 Peter Simon Pallas
3 Samuel Gottlieb Gmelin
4 Johann Anton Güldenstäd
5 Heinrich Julius von Klaproth

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]
[DOI: 10.61186/pte.15.59.4]

روس‌ها و خط دفاعی قفقاز

«جبهه» یا «خط قفقاز» به مجموعه خطوط دفاعی شمال قفقاز گفته می‌شد که در امتداد آنها زنجیره‌ای از قلاع و سکونتگاه‌های قزاق‌نشین ساخته شده بود. روس‌ها با این راهبرد (که از آن به عنوان خط قفقاز یاد می‌کردند) در پی تحکیم و تثبیت حضور نیروهای خود در منطقه برای حفظ منافع و دستاوردها در دریای خزر و سیاه و تصرف قفقاز بودند (Jersild, 2002: 13; Barrett, 1999: 33, 40). این خط دفاعی با جذب طرفداران وفادار به دولت روسیه از میان قزاق‌ها، ارامنه و دیگر مسیحیان قفقاز، نه تنها مأمنی برای آنها تلقی می‌شد، بلکه یک دیوارهٔ نظامی مستحکم از نیروهای زبده و کارآمد نظامی- تجاری ایجاد می‌کرد که همواره در کنار نیروهای نظامی روسیه و همسو با سیاست‌های دولت بودند. این خط دفاعی همچنین بستر ارتباطی امن و مهمی میان مردم و بزرگان منطقه و دولت روسیه محسوب می‌شد (Bournoutian, 1998: 84, 22).

ضعف و سقوط حکومت صفویه، نزدیکی و پیوند روس‌ها و مسیحیان منطقه را مستحکم کرد و زمینه توسعهٔ خط دفاعی قفقاز به جنوب این منطقه را فراهم ساخت. در سال ۱۷۲۴م/۱۱۳۶ق. به فرمان پترکبیر بسیاری از مسیحیان قفقاز در شهرهای باکو، دربند و دیگر مناطق داغستان اسکان داده شدند؛ همچنین دولت روسیه با ساخت قلاع و اسکان اقوام قزاق[1] مهاجر از سواحل رودخانهٔ دُن، ارامنه و مسیحیان وفادار در امتداد رودخانه ترک، اقدام به تثبیت و تحکیم این مرز رودخانه‌ای کرد (Aliyev, 2009: 336). این دولت در جریان جنگ ۱۷۳۵-۱۷۳۶م/ ۱۱۴۷-۱۱۴۸ق. با دولت عثمانی، قلعه نظامی قیزلار[2] را در سال ۱۷۳۵م/۱۱۴۷ق. در دلتای رودخانه ترک بنا کرد و قزاق‌های وفادار به دولت روسیه را در سکونتگاه‌هایی که در اطراف آن ساخته بود، اسکان داد. این قلعه به یک پایگاه مهم و تسخیرناپذیر برای پیشروی‌های بعدی در قفقاز تبدیل شد. سپس در سال ۱۷۶۳م/۱۱۷۶ق. قلعهٔ موزدوک در ۲۵۰ کیلومتری قلعه قیزلار ساخته

---

۱ این گروه از قزاق‌ها از اختلاط دو نژاد اسلاو و تاتار پدید آمدند و در اراضی روسیه پراکنده شدند. قوم مذکور ابتدا در جنوب روسیه و در سواحل رود دُن اسکان یافتند و با عنوان قزاق‌های دُن شناخته شدند. آنها ابتدا در خدمت حاکمیت لهستان بودند، اما با انقراض آن در سال ۱۶۵۴، تابعیت روسیه را پذیرفتند. قزاق‌ها در سوارکاری مهارت داشتند و به همین دلیل بخشی از آنان در نیروی سواری غیرمنتظم روسیه و بخشی دیگر در هیئت مستحفظهٔ امپراتوری روسیه به کار گرفته شدند. هرچند فرمانده این قوا از طرف حکومت روسیه تعیین می‌شد، اما در برخی امور دارای قوانین و نظامات داخلی بودند (رفعت، ۱۳۰۰: ۳/۶، ۴)

۲ شهری در شمال ماخاچ‌قلعه، واقع در دلتای رودخانه تِرک.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.4]

شد (Davies, 2016: 44; Baddeley, 1908:14). برای تقویت این قلعه‌ها در برابر حملات قابارده‌ها، چچن‌ها و قالموق‌ها، به فرمان کاترین دوم در سال ۱۷۷۰م/۱۱۸۴ق. بخشی از نیروهای نظامی سپاه قزاقان ولگا[1] در پنج پادگان بین موزدوک و قیزلار، در امتداد رودخانه ترک مستقر شدند (Davies, 2016: 133; Tsutsiev, 2014: 168).

براساس معاهدهٔ کوچوک قاینارجه که در سال ۱۷۷۴م/۱۱۸۸ق. در نتیجهٔ شکست عثمانی از روسیه، بین این دو دولت منعقد شد، روسیه بر سواحل دریای سیاه حاکم شد و دولت عثمانی تابعیت تاتارهای کریمه و کوبان را از دست داد (Davies, 2016: 205; Cezar, 1986: 76). در نتیجه، قدرت سیاسی و معنوی عثمانی در شمال قفقاز به نفع دولت روسیه تزاری تحلیل یافت و سرزمین‌های قابارديا و اوستیا، بندر آزوف، قلعه‌های کرچ و ینی‌کاله در انتهای شرقی شبه‌جزیرهٔ کریمه و بخش بزرگی از ایالت کوبان به روسیه واگذار شد و رودخانه کوبان نیز به عنوان مرز دولت عثمانی و روسیه شناخته شد. بدین ترتیب، دشت پهناور و بسیار حاصلخیز پونتیک–کاسپین، از سواحل دریای سیاه تا شرق دور دریای خزر در قزاقستان، به‌طور کامل در قلمرو روسیه قرار گرفت (Davies, 2016: 205; Baddeley, 1908:42). با تثبیت مرز رسمی رودخانه کوبان، گامی اساسی و عملی برای حمایت از گرجستان برداشته شد (Sicker, 2001: 82; Baddeley, 1908:19) که در سال ۱۷۸۳م/۱۱۹۷ق. طبق پیمان گئورگیفسکی[2] تحت‌الحمایه دولت روسیه شد و مسیر فتح جنوب قفقاز را هموار ساخت. معاهدهٔ کوچوک قاینارجه را می‌توان یکی از انگیزه‌های اصلی ساخت و توسعهٔ خط دفاعی قفقاز توسط کاترین دوم دانست که اهمیت راهبردی جنوب قفقاز را دوچندان کرده بود (Bournoutian, 1998: 4).

تا سال ۱۱۹۸/۱۷۸۴ق. چهار قلعهٔ نظامی دیگر نیز در مسیر رودخانهٔ ترک برای تقویت حضور نظامی روسیه در این منطقه مهم و راهبردی ساخته شد (Barrett, 1999: 40). بدین ترتیب، خط دفاعی «قیزلار–موزدوک» در امتداد رودخانه ترک به صورت کامل تشکیل شد که از اهمیت نظامی و اقتصادی زیادی برای دولت روسیه برخوردار بود.

در ادامهٔ راهبرد ساخت خط دفاعی، در سال ۱۷۸۷م/۱۲۰۱ق. ساخت خط دفاعی موزدوک–آزوف آغاز شد که گامی بزرگ و مهم در تصرف قفقاز بود. در مدت دو سال دَه قلعهٔ نظامی در

1 Volga Cossack Host
2 Treaty of Georgievsk

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]
[DOI: 10.61186/pte.15.59.4]

این مسیر ساخته شد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به قلاع شهرهای گئورگیفسکی، یکاترینوگراد و استاوروپول اشاره کرد. قلاع قدیمی نیز در این مسیر بازسازی و یا تعمیر شدند. جمعیت زیادی از قزاق‌های خوپر[1] هم در چهار استانیتسیایی[2] که در زمین‌های حاصلخیز و غنی این مسیر ایجاد شده بود، اسکان یافتند (Tsutsiev, 2014: 168; Barrett, 1999: 40). با اتصال قلعهٔ موزدوک به پایگاه دریای روسیه در تاگانروگ در سواحل آزوف، یک خط دفاعی نیرومند بین دریای آزوف و خزر تشکیل شد.

ساخت خطوط دفاعی کوبان در سال ۱۷۹۲م/۱۲۰۶ق. و دریای سیاه در سال ۱۷۹۳م/۱۲۰۷ق. در امتداد رودخانه کوبان، خط دفاعی سونژا[3] طی سال‌های ۱۸۱۸-۱۸۱۹م/۱۲۳۳-۱۲۳۴ق. برای تحدید و کنترل داغستانی‌ها و چچنی‌ها در امتداد رودخانهٔ سونژا، خط دفاعی مالکا طی سال‌های ۱۸۲۰-۱۸۱۸م/۱۲۳۳-۱۲۳۵ق. در امتداد رودخانهٔ مالکا برای مقابله با تهدیدات قابارده‌ها و خط دفاعی لابا در دههٔ ۱۸۴۰ برای مبارزه با چرکس‌ها در مراحل بعدی تشکیل خط قفقاز، از اقدامات مهم دولت روسیه برای تصرف قفقاز بوده است (Tsutsiev, 2014: 14-15).

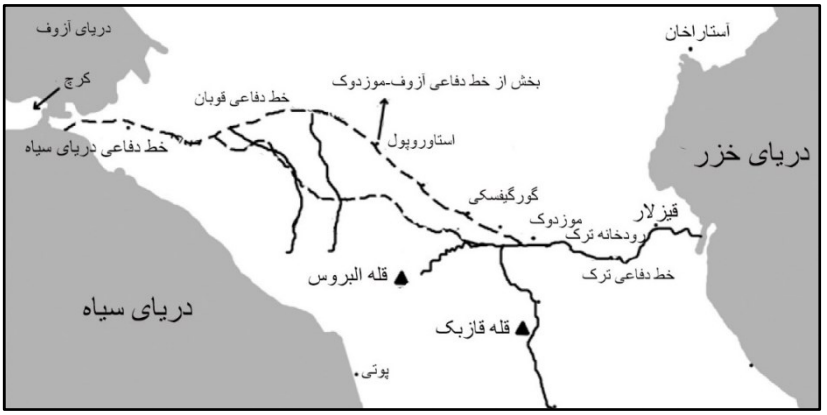

تصویر شمارهٔ ۱: خط دفاعی قفقاز ۱۷۶۳-۱۷۹۳م/۱۱۷۶-۱۲۰۷ق (Bournoutian, 2021: 28)

---

۱ شاخهٔ سمت چپ رود دون.

۲ «استانیتسیا» به نوعی پادگان کوچک نظامی اطلاق می‌شد که مهاجران مسیحی حامی دولت تزاری در آن اسکان می‌یافتند و در زمان جنگ با حداقل یک سرباز به ارائهٔ خدمت می‌پرداختند.

3 Sunzha

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.4]

قلاع مرکز فرماندهی، نشانهٔ قدرت بودند و روس‌ها با انتخاب نام‌هایی خاص چون ولادی قفقاز[1] (به معنی پادشاه قفقاز)، گروزنایا[2] (به معنی مهیب و وحشتناک)، بورنایا[3] (به معنی طوفانی) و غیره سعی داشتند قدرت و توان نظامی‌شان را به رخ بکشند (Jersild, 2002: 13; Barrett, 1999: 42). زنجیرهٔ قلاع و سکونتگاه‌های قزاق‌نشین در امتداد رودخانه‌های ترک، کوبان، سونژا و مالکا، هر ناظری را به تحسین وا می‌داشت. در هر قلعه یک برج دیده‌بانی با یک زنگ خطر یا ناقوس وجود داشت که شب و روز سربازان قزاقی در آن نگهبانی می‌دادند. قلاع طوری ساخته شده بود که در مواقع خطر ساکنان آن بتوانند از خود مراقبت و در صورت امکان به یکدیگر کمک کنند. قلاع با توجه به نوع خطر، با شلیک چند توپ به یکدیگر اطلاع می‌دادند. به هنگام جنگ، ساکنان مسلح در سکونتگاه‌های قزاق‌نشین به ارتش روسیه ملحق می‌شدند. با توجه به اینکه نیروهای قزاق سواره‌نظام بودند، تأمین اسب برعهدهٔ خود قزاق‌ها بود و چون وظایف قزاق‌ها پرمخاطره و سنگین بود، نسبت به دیگر اقوام منطقه از امتیازات خاصی برخوردار بودند. معافیت از مالیات و اختصاص زمین‌های کشاورزیِ اشغال‌شده به آنها، از امتیازات مهم آنها بودند (Baddeley, 1908: 15-17).

دولت روسیه برای حمایت مؤثر از مسیحیان گرجستان و تقویت ارتباطات، درصدد اتصال موزدوک به تفلیس بود (Bournoutian, 2021: 15) تا موانع ارتباطی بین دولت‌های مسیحی اروپایی و مسیحیان منطقهٔ قفقاز از میان برداشته شود و مسیحیان این منطقه با دنیای مسیحیت یکپارچه شوند. مسیر تنگهٔ صعب‌العبور سه متری پر از مخاطرهٔ داریال که در معرض سقوط بهمن و سیل بود، مهم‌ترین مانع در مسیر موزدوکِ به تفلیس محسوب می‌شد که با شروع زمستان معمولاً بسته می‌شد. برای تسلط بر این تنگه، گئورگی پوتمکین در اولین گام در سال ۱۷۸۴م/۱۱۸۸ق. اقدام به ساخت قلعهٔ نظامی بسیار مهم و راهبردی ولادی قفقاز کرد که در حکم دروازهٔ فتح قفقاز بود. در گام بعدی، پوتمکین با هشتصد سرباز روسی، ساخت جادهٔ نظامی ولادی قفقاز به تفلیس را در همان سال آغاز کرد (اتکین، ۱۳۸۲: ۱۲۷؛ Barrett, 1999: 41; Jersild, 2002: 13). با ساخت این بزرگراه مهم و راهبردی که تا سال ۱۸۰۱م/ ۱۲۱۶ق. طول کشید، روس‌ها ضمن کنترل داغستانی‌ها و چچنی‌ها و رفع تهدیدات ناشی از آنها در منطقه و تنگهٔ داریال، نفوذ عثمانی

1 Владикавказ
2 грозная
3 бурная

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]
[DOI: 10.61186/pte.15.59.4]

در منطقه را نیز محدود کردند و با دور ساختن گرجستان از جغرافیای سیاسی ایران، فتح کامل قفقاز را تسهیل کردند (LeDonne, 2004: 99).

با توجه به تسلط چچنی‌ها، قاباردی‌ها و اوستی‌ها بر بخش زیادی از تنگه داریال، دولت روسیه برای تأمین امنیت و تقویت این بزرگراه نظامی دست به اقدامات زیادی زد که از آن جمله می‌توان به انتقال خط دفاعی ترک به جنوب رودخانهٔ ترک و ساخت خط دفاعی سونژا در مسیر رودخانه سونژا، ترویج دین مسیحیت در میان قاباردی‌ها و اوستی‌ها[1] و تبدیل موزدوک به مرکز مسیحیت در منطقه، جذب اشراف و بزرگان قاباردی و همراه ساختن آنها با اهداف نیروهای روس و تشویق اوستی‌ها با بخشش زمین و پرداخت حقوق ماهیانه به شرط پذیرفتن مسیحیت، برای کوچ کردن به دشت‌های حاصلخیز شمال ولادی قفقاز و موزدوک اشاره کرد (Aliyev, 2009: 350; Barrett, 1999: 41-42, Baddeley, 1908:10, 14, 32; Tsutsiev, 2014: 45).

گسترش تجارت، دیگر خط‌مشی دولت روسیه برای برقراری ارتباط با مردمان بومی منطقه و نفوذ در میان جوامع کوهستانی بود. کنترل مردم بومی و حفظ امنیت در راستای خطوط دفاعی، بر رونق شهرها و روستاهای منطقه افزود و بازارها و مراکز اقتصادی فعال زیادی ساخته شد (Brower & Lazzerini, 1997: 236-237). با توجه به اینکه نمک یکی از کالاهای مهم و اساسی مردم منطقه برای نگهداری دام و مواد غذایی بود، روس‌ها با ایجاد وابستگی به نمک، بخش زیادی از مردم جوامع کوهستانی را جذب بازارهای خطوط دفاعی کردند. همچنین دولت روسیه برای تشویق مردم به حضور در بازارها، روستاییان منطقه را از پرداخت مالیات و عوارض معاف کرد (Brower & Lazzerini, 1997: 232). با وجود زمینه‌های خشونت و درگیری مسلّحانه میان اقوام مختلف منطقه که مدام در کارزار بودند، فضای حاکم بر بازار و تجارت بسیار آرام بود و امنیت بالایی داشت؛ چون بازارها و تجارت نقطهٔ مشترک میان دولت روسیه و مردم منطقه بود و هر دو طرف ذی‌نفع بودند (Brower & Lazzerini, 1997: 237).

تشکیل واحد اداری- سرزمینی قفقاز

نام‌گذاری نهادهای اداری مختلف، در قلمرو امپراتوری روسیه تزاری بسیار حائز اهمیت بود و

---

۱ قاباردی‌ها و اوستی‌ها بر بخش شمالی تنگه داریال مسلط بودند و از کاروان‌ها و مسافران حق العبور می‌گرفتند (Baddelely, 1908: 20).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.4]

هر نامی معنای خاصی داشت. واحدهای مختلف اداری- سرزمینی بیانگر اختلاف در اندازه، آرایش جمعیتی و اهداف دولتی در یک قلمرو بود، ولی با توجه به اهمیت زیاد منطقهٔ قفقاز برای دولت روسیه، نام‌گذاری نهادهای اداری آن حاوی جنبه‌های مهم و اساسی سیاست آن دولت در منطقهٔ قفقاز هم بود (Tsutsiev, 2014: 17).

وسعت زیاد امپراتوری و تنوع مناطق جغرافیایی، قومی، نژادی، زبانی و اجتماعی، تقسیم‌بندی اداری- سرزمینی آن را برای ادارهٔ بهتر امور و تأمین امنیت در دوره‌های مختلف دستخوش تغییرات زیادی کرده بود؛ حتی نوع حکومت نیز در برخی دوره‌ها تغییر می‌کرد که بر تقسیمات کشوری آن تأثیر مستقیم داشت. تقسیمات اداری- سرزمینی امپراتوری روسیه در دورهٔ کاترین دوم مبتنی بر تمرکزگرایی شدید بود؛ یعنی حکومت و اقتدار سیاسی در پایتخت، اساس کار تقسیمات بود. اختیار اداره و اجرای امور هم کاملاً در سازمان‌های مرکزی تجمیع می‌شد. حاکمان محلی هم مستقیماً در مقابل تزار مسئول و پاسخ‌گو بودند، ولی گزارش‌های خود را به مجلس سنا تقدیم می‌کردند و وقتی در پایتخت حضور می‌یافتند در جلسات مجلس سنا شرکت می‌کردند (LeDonne 2001: 11). با اصلاحات سال ۱۸۰۲م/۱۲۱۷ق. الکساندر اول، هیئت وزیران با هشت عضو تشکیل شد که در آغاز چندان قدرتی نداشتند، ولی از سال ۱۸۱۱م/۱۲۲۶ق. اختیارات زیادی از تزار کسب کردند و تا حدودی مستقل عمل می‌کردند. در نتیجه، اصلاحات الکساندر اول به یک حکومت غیرمتمرکز منجر شد (LeDonne, 2001: 13).

منطقهٔ قفقاز در آغاز با ساخت خطوط دفاعی دریای سیاه، کوبان، مالکا، ترک و آزوف- موزدوک، از نظر دولت روسیه به عنوان یک منطقهٔ حائل مرزی قلمداد می‌شد که با سروسامان گرفتن قوانین اداری- انضباطی، به یک واحد سرزمینی ویژه تبدیل شد (Tsutsiev, 2014: 13; Lieven, 2006: 450). بعد از معاهدهٔ کوچوک قاینارجه و ضمیمه شدن بخش زیادی از شمال قفقاز به دولت روسیه، تا سال ۱۷۸۰م/۱۱۹۴ق. سرزمین‌های تازه فتح‌شدهٔ قفقاز و جنوب شرقی اروپا در ترکیب جنرال قوبرناطور آستاراخان قرار گرفت. مشکلات ادارهٔ این واحد سرزمینی به دلیل وسعت زیاد آن، منجر به تقسیم این جنرال قوبرناطور به دو قوبرناطور آستاراخان و ساراتوف شد که قفقاز شمالی به‌طور کامل در ترکیب قوبرناطور آستاراخان قرار گرفت و گریگوری پوتمکین نیز مثل سابق در رأس جنرال قوبرناطور باقی ماند (Aliyev, 2009: 367).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.4]

پاول پوتمکین[1] (برادرزاده گریگوری پوتمکین) مسئول خط دفاعی قفقاز که به فرمان گریگوری پوتمکین[2] لایحهٔ نائب‌السلطنه‌نشینی قفقاز را آماده کرده بود، در سال ۱۷۸۵م/۱۱۹۹ق. تقدیم دولت کرد. در همین سال با تصویب دولت و فرمان کاترین دوم، نائب‌السلطنه‌نشین جنرال قوبرناطور قفقاز[3] به مرکزیت یکاترینوگراد[4] تشکیل شد (Tsutsiev, 2014: 151) که به دو بخش قوبرنیای قفقاز و اوبلاست آستاراخان تقسیم می‌شد. مرکزیت این نائب‌السلطنه‌نشین در سال ۱۷۹۰م/۱۲۰۴ق. طبق فرمان کاترین دوم به شهر آستاراخان منتقل شد (Volkhonsky & Mukhanov, 2018). انتخاب نام قفقاز به دلایل متعددی حائز اهمیت بود. علاوه بر نشان دادن اعتماد به نفس کاترین در ضمیمه کردن قفقاز به خاک امپراتوی روسیه با حضور رقبایی چون دولت‌های عثمانی و ایران، هدف‌گذاری دولت روسیه برای پیشروی به دیگر نقاط قفقاز را هم نشان می‌داد (Tsutsiev, 2014: 17).

همزمان با تشکیل نائب‌السلطنه‌نشینی قفقاز، موج مهاجران روسی از مناطق مرکزی روسیه با حمایت و تشویق دولت در مناطق حاصلخیز شمال قفقاز اسکان یافتند. در ادامهٔ این برنامه، دولت روسیه گروه زیادی از اهالی بومی منطقه را به اَشکال مختلف به مناطق کوهستانی در آن سوی خط دفاعی قفقاز سوق داد و بیشتر حاکمان محلی نیز برای حفظ منافع خود مجبور به ادای سوگند وفاداری به دولت روسیه شدند (Aliyev, 2009: 368-370). البته هم‌گرایی حاکمان محلی قفقاز شمالی با دولت روسیه، از دههٔ ۱۷۴۰م/۱۱۵۳ق. آغاز شده بود و آنها برای در امان ماندن از سیاست‌های سخت‌گیرانهٔ دول عثمانی و افشاریان و فرار از پرداخت خراج سنگین به این دولت‌ها، به شیوه‌های مختلف به دولت روسیه پناه برده بودند (Piotrowski, 1988: 435). با تشکیل نائب‌السلطنه‌نشینی قفقاز، از آزوف تا سواحل دریای خزر و از آستاراخان تا سواحل رودخانهٔ ترک زیر چتر یک حکومت واحد قرار گرفت (Tsutsiev, 2014: 7). این نائب‌السلطنه‌نشین در سال ۱۷۹۶م/۱۲۱۱ق. به فرمان پل اول[5] ملغی گردید و واحدهای اداری آن به قوبرنیای آستاراخان منتقل شد (Volkhonsky & Mukhanov, 2018). همچنین ادارهٔ سرزمین‌های قابارده‌ها، اوستی‌ها، چچنی‌ها و اینگوش‌ها به فرماندهان خطوط دفاعی قفقاز محول شد (Taşcı, 2019: 80).

1 Pavel Potemkin
2 Grigory Aleksandrovich Potemkin
3 Генерал-губернаторы Кавказского наместничества (فرمانداری کل)
4 Yekaterinograd
5 Paul I

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]
[DOI: 10.61186/pte.15.59.4]

الحاق رسمی کاختی–کارتلی و شهر تفلیس به امپراتوری روسیه با فرمان الکساندر اول در سال ۱۸۰۱م/۱۲۱۶ق، عصر جدیدی را در تاریخ منطقه رقم زد. همزمان با الحاق شرق گرجستان به روسیه، سلطان‌نشین‌های قزاق، بورچالی، پمبک و شمس‌الدین نیز ضمیمه شدند (Mustafazadeh, 2013: 252). مناطق الحاق‌شده، قوبرنیای جدید گرجستان را در قالب دو استان کارتلی و کاختی تشکیل دادند که در رأس آن ژنرال کارل فدوروویچ کنورینگ[1] قرار داشت (Taşçı, 2019: 83; Caucasian calendar, 1845: 63) که در سال ۱۸۰۲م/۱۲۱۷ق. جای خود را به پاول سیسیانوف داد.

در همین سال، قوبرنیای آستاراخان هم به فرمان الکساندر اول مثل گذشته به دو قوبرنیای قفقاز و آستاراخان تقسیم شد و در عین حال، ادارهٔ دو قوبرنیای گرجستان و آستاراخان هم به مرکز اداری قوبرنیای قفقاز گئورگیفسکی، منتقل شد (Tashji, 2019: 89). حاکمیت نظامی و مدنی قوبرنیای قفقاز یکپارچه نبود و حاکمیت نظامی تحت مدیریت فرمانده کل خط دفاعی قفقاز قرار داشت که در نتیجهٔ اصلاحات سال ۱۸۲۲م/۱۲۳۷ق. مرکز آن از گئورگیفسکی به استاوروپول تغییر کرد (Caucasian calendar, 1845: 63; Tashji, 2019: 89).

پاول سیسیانوف علاوه بر اینکه حاکم گرجستان بود، حاکم نظامی آستاراخان، فرمانده کل نیروهای مسلح قفقاز و بازرس خط دفاعی قفقاز نیز بود که به عنوان بالاترین مقام اجرایی و نظامی دولت تزار روسیه در منطقه، نقش بسزایی در فتح قفقاز جنوبی داشت (Bournoutian, 2021: 39). سیسیانوف در راستای سیاست «جلب حمایت حاکمان و بزرگان محلی» (Mustafazadeh, 2013: 253)، آنها را در سال ۱۸۰۲م/ ۱۲۱۷ق. در شهر گئورگیفسکی دور هم جمع کرد که در نتیجهٔ آن، قراردادی دوازده ماده‌ای میان سیسیانوف و حاکمان محلی به امضا رسید که در مادهٔ سوم، بر اقدام هماهنگ علیه قشون ایران در صورت حمله تأکید شده بود (Mustafazadeh, 2013: 255; Rzayevin, 2010: 14-15). این قرارداد نشان‌دهندهٔ واگرایی شدید سیاست‌های خانات محلی با سیاست‌های ایران و هم‌گرایی با دولت روسیه بود.

در گام بعدی سیسیانوف برای تقویت مرزهای شرقی و غربی گرجستان، دست به اقداماتی جسورانه زد. وی ابتدا برای دفع حملات لزگی‌ها، قلمرو جار– بالاکن را ضمیمهٔ قوبرنیای گرجستان کرد و آمادهٔ تصرف شهر مهم و راهبردی گنجه در سال ۱۸۰۴م/۱۲۱۸ق. شد. سیسیانوف در

1 Karl Fedorovich Knorring

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.4]

نامه‌ای به الکساندر اول، برای نشان دادن اهمیت آن چنین نوشته بود: «برای حاکمیت ترس و وحشت بر دیگر خانات منطقه، فتح قلعه گنجه امر ضروری و مهم برای دولت روسیه محسوب می‌شود» (Rzayevin, 2010: 20). قلعهٔ گنجه بعد از مدت‌ها محاصره توسط قوای روس، در پی عهدشکنی جماعت مسلمان شمس‌الدین لو و مسیحی ارمنی، سقوط کرد و قتل‌عام فجیعی در آن به راه انداخته شد (دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۸۲؛ خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۹۳/۱-۱۹۴)، اما همزمان با این رویدادها در مرزهای غربی گرجستان، سیسیانوف به آرامی با سیاست گفت‌وگو ایمرتی و میگرلی را تابع دولت روسیه کرد (Bournoutian, 2021: 44) بدون اینکه دولت عثمانی مخالفتی داشته باشد (Rzayevin, 2010: 14).

چند هفته بعد از فتح گنجه، درستی ایدهٔ سیسیانوف با معاهده کورک چای به اثبات رسید؛ ابراهیم‌خان حاکم خانات قره‌باغ و سلیم‌خان حاکم خانات شکی، در ساحل رودخانهٔ کورک چای در سال ۱۸۰۵م/۱۲۲۰ق. با سیسیانوف قراردادی امضا کردند که طبق آن، این خانات تحت‌الحمایه دولت روسیه شد. بنا بر بندهای نهم و دهم معاهده، این تحت‌الحمایگی إلی الابد و بدون تغییر بود و برای ضمانتش نوادهٔ ارشد خان قره‌باغ در تفلیس به گروگان نگه داشته می‌شد (فنا، ۱۳۹۵: ۵۵)؛ آنها هم در قبال آن به درجه سپهبدی[1] - ردهٔ سوم از درجه‌بندی و بالاتر از سرلشکری- رسیدند و حقوق‌بگیر دائمی دولت روسیه شدند (Rzayevin, 2010: 35). مصطفی‌خان حاکم خانات شیروان نیز بعد از نامه سیسیانوف که عاقبت شهر گنجه را به وی یادآوری کرده بود، به‌ناچار در قلعه مستحکم فیت که در دامنه کوه فیت بنا شده بود، قراردادی مشابه قرارداد کورک چای با سیسیانوف امضا کرد و با کسب همان امتیازات تابع دولت روسیه شد (Bournoutian, 2021: 106; Rzayevin, 2010: 37; Mirza Adigozel Bay, 2006: 83). بدین ترتیب، جاده مهم و راهبردی شماخی-باکو-دربند به تصرف روسیه درآمد که در فتح قفقاز بسیار حائز اهمیت بود.

تحت این شرایط، جنگ‌های ایران و روسیه آغاز شد که دور اول عهدنامهٔ گلستان (۱۸۱۳م/۱۲۲۸ق) و دور دوم در عهدنامهٔ ترکمانچای (۱۸۲۸م/۱۲۴۳ق) منافع روس‌ها را تأمین کرد و موجب الحاق رسمی خانات قفقاز به خاک امپراتوری روسیه و جدایی همیشگی آن از جغرافیای سیاسی ایران شد (سپهر، ۱۳۹۰: ۲۴۰/۱-۲۴۶، ۲۹۳-۲۹۹؛ هدایت، ۱۳۸۰: ۷۸۸۱/۹-۷۸۸۷). پس از تسلط روس‌ها بر جنوب قفقاز، خانات شکی، شروان، قره‌باغ و لنکران که با

1 Lieutenant general

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.4]

مقامات روسی پیمان دست‌نشاندگی امضا کرده بودند، با همان ساختار سنتی با عنوان کارگزاران روسی و حقوق‌بگیر دولت، به کار خود ادامه دادند و در برخی از خانات که علیه روسیه استقامت کرده بودند، به جای ادارهٔ خان، شورای قیومان با حضور بیگ‌ها و نواب وفادار به دولت روسیه تشکیل شد و برخی از آنها نیز تحت اداره مستقیم دولت روسیه قرار گرفتند (اتکین، ۱۳۸۲: ۱۹۲؛ Mustafazadeh, 2013: 278; Ismayilov, 2007: 4/78).

حکومت دولت روسیه بر قفقاز، تا دههٔ ۱۸۳۰ آمیزه‌ای از روش‌های سنتی و روسی بود. با لغو تدریجی سیستم اداری حکومت‌های محلی تا سال ۱۸۲۸م/۱۲۴۳ق، حکومت نظامی فرماندهان جایگزین سیستم سنتی شد؛ بدون آنکه مرزهایشان دستخوش تغییری شود (Tashji, 2019: 88). افسران عالی‌رتبهٔ مسیحی روس که تابع قوبرناطور گرجستان بودند، در رأس حاکمیت قرار گرفتند. آنها هر آنچه را که در اختیار خان‌ها بود، به نفع دولت روسیه مصادره کردند (اتکین، ۱۳۸۲: ۱۹۳–۱۹۴؛ Mustafazadeh, 2013: 81). فرماندهان نظامی که در اداره امور نیازمند همکاری بزرگان منطقه بودند، آنها را به اَشکال مختلف جذب امور اداری کردند و بسیاری از بزرگان منطقه نیز صلاح را در همکاری با روس‌ها دیدند (اتکین، ۱۳۸۲: ۱۹۴).

طی سال‌های ۱۸۰۲–۱۸۲۷م/ ۱۲۱۶–۱۲۴۳ق. منطقهٔ قفقاز به دو بخش قفقاز شمالی و جنوبی تقسیم شد که شمال قفقاز تحت مدیریت قوبرنیای قفقاز و جنوب آن تحت مدیریت قوبرنیای گرجستان قرار گرفت. قفقاز شمالی شامل پنج منطقه قیزلار، موزدوک، گئورگیفسکی، الکساندروپل و استاوروپل بود و قوبرنیای گرجستان هم به پنج منطقهٔ زیر تقسیم می‌شد که به‌جز گرجستان شرقی و غربی، دیگر مناطق با سیستم حکومت نظامی فرماندهان که تابع قوبرناطور گرجستان بودند، اداره می‌شدند (Bournoutian, 1998: 473; Tashji, 2019: 89).

- گرجستان شرقی: پادشاه‌نشین کارتلی–کاختی، خان‌نشین گنجه، سلطان‌نشین‌های قزاق، بورچالی، شمس‌الدین و شوراگول و همچنین مناطق جار بلاکن و پمبک.
- گرجستان غربی: ایمرتی، مینگرلی و گوریا؛
- استان‌های مسلمان‌نشین: استان‌ها یا خانات شکی، شروان، قره‌باغ، باکو، تالش و سلطان‌نشین ایلیسو؛
- منطقه نظامی داغستان: خانات دربند و قبه و مناطق آغ‌گوشه، قاضی قموق، قره‌قایتاق،[۱]

۱ اوسمی‌گری قره‌قایتاق در منطقهٔ داغستان و در شمال خان‌نشین دربند واقع شده بود.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.4]

طبرسران و ترکی؛

- اوبلاست ارمنستان:[۱] اوکروگ[۲] ایروان و اوکروگ نخجوان.

در نتیجهٔ اصلاحات اداری- نظامی الکسی پترویچ یرمولوف[۳] در سال ۱۸۲۲م/۱۲۳۷ق، قوبرنیای قفقاز با مرکزیت گئورگیفسکی به اوبلاست قفقاز با مرکزیت استاوروپل تغییر کرد که شامل چهار اوکروگ قیزلار، موزدوک، گئورگیفسکی و استاوروپل بود. البته حاکمیت نظامی آن بدون اینکه تغییری کند، مثل گذشته تحت مدیریت فرمانده کل خط دفاعی قفقاز باقی ماند. در سال ۱۸۲۷م/۱۲۴۲ق. با یکپارچه شدن حاکمیت نظامی و مدنی قفقاز، تحول بزرگی در سیستم اداری – نظامی منطقه رخ داد که در تاریخ قفقاز یک نقطهٔ عطف محسوب می‌شود. قوبرنیای گرجستان و اوبلاست قفقاز تحت مدیریت یک ادارهٔ واحد با عنوان اداره اوبلاست قفقاز قرار گرفتند، حاکمیت نظامی و اداری آن یکپارچه شد و مرکز اداری آن نیز از استاوروپل به تفلیس انتقال پیدا کرد. بدین ترتیب، کل قفقاز در قالب یک واحد اداری به مرکزیت تفلیس قرار گرفت (Tashji, 2019: 92).

یرمولوف با تثبیت حکومت نظامی فرماندهان در مناطق مسلمان‌نشین، با سیاست‌های تبعیض‌آمیز خود نسبت به مسلمانان، بر درد و رنج مردم افزود. با اینکه فرماندهان نظامی خانات، حاکم درجه اول محسوب نمی‌شدند، ولی در نبود سیستم نظارتی کارآمد، از اختیارات قانونی خود سوءاستفاده می‌کردند و در استثمار مردم از هیچ کوششی دریغ نمی‌کردند. سختی اوضاع و شرایط را به حدی رسانده بودند که به اعتراضات عمومی شدید مردم در اقصی نقاط قفقاز جنوبی در خلال دور دوم جنگ ایران و روسیه منجر شد. اوضاع منطقه به حدی نابسامان بود که دو تن از سناتورهای مجلس سنا که بعد از عهدنامهٔ ترکمانچای برای بازرسی به منطقه آمده بودند، در گزارش‌هایشان به وزارت دادگستری امپراتوری روسیه، بر رفتارهای خودسرانه و غیرقانونی فرماندهان نظامی تأکید کردند. پیرو این گزارش و با حمایت جمعی از سناتورهای بانفوذ مجلس سنا، از ایدهٔ ژنرال ایوان فیودورویچ پاسکویچ[۴] که جایگزین یرمولوف شده بود، استقبال شد و در

---

۱ بلافاصله بعد از انعقاد عهدنامه ترکمانچای، به فرمان نیکلای اول در ۱۱ مارس ۱۲۴۳/۱۸۲۸ق. به پاس خدمات ارزشمند ارامنه به دولت روسیه، اوبلاست ارمنستان تشکیل شد (Bournoutian, 1998: 475).

2 Округ (ناحیه)

3 Aleksey Petrovich Yermolov

4 Count Ivan Fyodorovich Paskevich

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.4]

سال ۱۸۴۰م/۱۲۵۵ق. سیستم حکومت نظامی فرماندهان به سیستم حکومت غیرنظامی متمرکز در قفقاز تغییر کرد (Tashji, 2019: 96-97; Mustafazadeh, 2013: 83-85).

نتیجه‌گیری

موقعیت راهبردی و منابع عظیم طبیعی و انسانی، از دلایل اصلی توجه دولت روسیه به قفقاز بود. روس‌ها با چیرگی بر قفقاز، بر دروازهٔ آسیا و دریاهای خزر و سیاه مسلط می‌شدند و کنترل یکی از شاهراه‌های مهم تجاری جهان را به دست می‌گرفتند. دولت روسیهٔ تزاری برای پیشبرد سیاست‌های توسعه‌طلبانه‌اش به سمت قفقاز، از یک راهبرد بلندمدت بهره برد و در یک فرایند تدریجی قفقاز را به قلمرو امپراتوری‌اش ضمیمه کرد که گام‌های اساسی این مهم در دورهٔ پتر کبیر برداشته شده بود.

این دولت در مرحلهٔ نخست اجرای سیاست توسعه‌طلبانه‌اش در قفقاز، از اطلاعات گران‌سنگ تجار و توان علمی و پژوهشی جغرافی‌دانان و شرق‌شناسان بهره گرفت و بدین ترتیب، شناختی نسبتاً کامل از جغرافیای منطقه به دست آورد. خانات محلی مسلمان منطقه برای فرار از تسلط ایران و عثمانی و همچنین به منظور جلب حمایت روس‌ها در برابر تهدیدات دیگر خانات، رویکرد مثبتی نسبت به دولت روسیهٔ تزاری داشتند. دولت روسیه به اَشکال مختلف در مناقشات میان خانات مداخله کرد و چون در اختلاف خانات ذی‌نفع بود، در ایجاد این مناقشات نقش پررنگی داشت. تلاش‌های گستردهٔ مسیحیان گرجی و ارمنی قفقاز در برقراری ارتباط با دولت روسیه و در نهایت، انعقاد معاهده گئورگیفسکی نیز نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در حضور نیروهای روس در قفقاز داشت. مضاف بر اینکه روس‌ها به عنوان یک امپراتوری مسیحی، واکنش به التجای ارامنه و گرجیان و زعامت و سرپرستی آنان را حق مسلّم و وظیفهٔ دینی خود می‌دانستند. این معاهده همچنین نه تنها باعث جلب توجه دولت روسیه به جنوب قفقاز شد، بلکه به دستاویز حقوقی محکمی برای توسعهٔ قلمرو روس‌ها در قفقاز جنوبی تبدیل شد. معاهدهٔ کوچوک قاینارجه را هم باید یکی از انگیزه‌های اصلی ساخت و توسعهٔ خط دفاعی قفقاز توسط کاترین دوم دانست. دولت عثمانی با این معاهده قدرت سیاسی و معنوی خود را در قفقاز شمالی تا حد زیادی از دست داد و روسیه به پیروزی بزرگی در قفقاز شمالی رسید. بعد از حل مسئلهٔ دریای سیاه و کریمه طی این معاهده، قفقاز در اولویت اول سیاست خارجی دولت روسیه قرار گرفت. کاترین

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.4]

کبیر و گئورگی پوتمکین با ساخت خط دفاعی قفقاز، در پی تحکیم و تثبیت حضور نیروهای روس در منطقه برای حفظ منافع و دستاوردهایشان در دریای خزر و دریای سیاه و تصرف قفقاز بودند.

خط دفاعی قفقاز به جذب طرفداران وفادار به دولت روسیه از میان قزاق‌ها، ارامنه و دیگر مسیحیان قفقاز پرداخت. در این خط دفاعی علاوه بر نظامیان، تجار نیز حضور پررنگی داشتند. طبقه مذکور در کنار نیروهای نظامی، همسو با سیاست‌های دولت تزاری، درصدد بسترسازی تقویت ارتباط امن میان مردم منطقه و دولت روسیه بودند. با ساخت بزرگراه مهم و راهبردی داریال، روس‌ها به دستاوردهای بزرگی چون عملی ساختن خواستهٔ تاریخی مسیحیان گرجی و ارمنی در راستای حمایت از آنها، کنترل داغستانی‌ها و چچنی‌های مسلمان و کاهش خطرات آنان، تحدید نفوذ دولت عثمانی در غرب قفقاز و نهایتاً اتصال گرجستان به جغرافیای روسیه تزاری و انقطاع آن از جغرافیای سیاسی ایران نائل شدند. از آن پس گرجستان به پایگاه اصلی نظامی روس‌ها در تسلط بر سایر نواحی قفقاز جنوبی تبدیل شد.

منابع و مآخذ

- اتکین، میوریل (۱۳۸۲)، *روابط ایران و روسیه (۱۷۸۰-۱۸۲۸)*، ترجمهٔ محسن خادم، تهران: مرکز نشر دانشگاه.
- خاوری شیرازی، میرزا فضل‌الله (۱۳۸۰)، *تاریخ ذوالقرنین*، به کوشش ناصر افشارفر، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس.
- رفعت، احمد (۱۳۰۰)، *لغات تاریخیه و جغرافیه*، ج۶، استانبول: محمود بک مطبعه سی.
- سپهر، محمدتقی (۱۳۹۰)، *ناسخ التواریخ؛ تاریخ قاجاریه*، به کوشش جمشید کیان‌فر، ج۱، تهران: اساطیر.
- فنا، میرزا رحیم (۱۳۹۵)، *تاریخ جدید قراباغ*، ترجمهٔ سجاد حسینی، تبریز: اختر.
- دنبلی، عبدالرزاق مفتون (۱۳۸۳)، *مآثر سلطانیه*، تصحیح غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: مؤسسهٔ انتشاراتی روزنامه ایران.
- هدایت، رضاقلی (۱۳۸۰)، *تاریخ روضة الصفای ناصری*، به کوشش جمشید کیان‌فر، ج۹، تهران: اساطیر.

منابع لاتین

- Aliyev, Q. (2009), *History of Caucasus,* vol.1, Baku: Elm.
- Baddeley, J. (1908), *The Russian conquest of the Caucasus,* London: Longmans, Green

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.4]

& Co.
- Barrett, T. (1999), *At the edge of empire: The Terek Cossacks and the North Caucasus frontier (1700-1860),* Boulder, CO: Westview Press.
- Bournoutian, G. A. (1998), *Russia and the Armenians of Transcaucasia (1797-1889),* Costa Mesa, Calif: Mazda.
- ..... (2021), *From the Kur to the Aras,* Leiden & Boston: Brill.
- Brower, D. & E. Lazzerini (Eds) (1997), *Russia's Orient: imperial borderlands and peoples (1700-1917),* Bloomington: Indiana University Press.
- Cezar, Y. (1986), *Osmanlı Maliyesinde Bunalım ve Değişim Dönemi,* İstanbul: Alan Yayıncılık.
- Davies, B. (2016), *The Russo-Turkish War (1768-1774); Catherine II and the Ottoman Empire,* Bloomsbury Academic.
- Gutmeyr, D. (2017), *Borderlands Orientalism, or how the savage lost his nobility,* Wien: LIT.
- Ismayilov, M. (2007), *History of Azerbaijan*, vol.4, Baku: Elm.
- Kurban, V. (2020), *The Caucasus Policy of Russia in the Early 21st Century: Internal and External Dynamics,* Newcastle upon Tyne: Cambridge Scholars Publishing.
- Jersild, A. (2002), *Orientalism and empire: North Caucasus mountain peoples and the Georgian Frontier (1845-1917),* Montreal & London: McGill-Queen's University Press.
- LeDonne, J. P. (2004), *The grand strategy of the Russian Empire (1650-1831),* Oxford: Oxford University Press.
- ..... (2001, janvier 1), "Russian governors general (1775-1825)", *Cahiers du monde russe,* 42 (1), pp.5-30. https://doi.org/10.4000/monderusse.80 file:///C:/Users/mosavi/Downloads/monderusse-1169.pdf
- Lieven, D. (Ed) (2006), *The Cambridge History of Russia,* vol.2, Cambridge: Cambridge University Press.
- Mustafazadeh, T. (2013), *Azerbaijan-Russia relations in the second half of the 18th century and the beginning of the 19th century,* Baku: Sharq-Gharb.
- Ozgur, T. (2014), "On the Russian resources about Russian Invasion in the North Caucasus", *Journal of Historical Research,* no.33(55), pp.183-218. https://doi.org/10.1501/Tarar_0000000569 https://dspace.ankara.edu.tr/xmlui/bitstream/handle/20.500.12575/65214/19967.pdf?sequence=1&isAllowed=y
- Rzayevin, A. (Red), (2010), *History of Azerbaijan; XIX- the beginning of the XXI centuries,* Baku: Baku University.
- Sicker, M. (2001), *The Islamic World in Decline: From the Treaty of Karlowitz to the Disintegration of the Ottoman Empire,* London: Praeger.
- Tashji, A. T. (2019), "Namestnik Institution in Russia (1845-1854)", *Journal of Black Sea Studies*, 14 (27), pp.73-110. https://doi.org/10.31765/karen.668139 https://dergipark.org.tr/en/pub/karen/issue/51434/668139

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.4]